



مطالعه تطبیقی رفتار کنگره در قبال برجام از منظر روش تحلیل گفتمان

عیسی کاملی^۱

کارینه کشیشیان سیرکی^۲

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

^۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

از آنجا که درک و شناخت رقابت گفتمانی حاکم بر کنگره موجب درک بهتر ریشه های موفقیت و ناکامی ها در سیاست آمریکا در قبال برجام و نحوه اجرای آن می شود، مقاله حاضر در صدد بررسی این موضوع است که روایت متمایز و غالب در کنگره نسبت به برجام در قالب روش تحلیل گفتمان چگونه به یک عنصر شکل دهنده و اثرگذار در سیاست خارجی آمریکا تبدیل می شود؟ در پاسخ، این پژوهش با تلفیق سطوح تحلیل فرد و دولت و با تکیه بر ترکیب روش های فرعی روش تحلیل لایه ای علت ها از جمله روش لیتانی، تحلیل گفتمان، تحلیل علل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی و نیز ساختار/ جهان بینی به واکاوی این موضوع و چالش های پیش روی آن در بستر مناسبات سیاست داخلی ایران و آمریکا می پردازد. براساس یافته های تحقیق، نقش عمومی کنگره در دوره اوباما همواره نقشی محدودکننده و بازدارنده در حوزه دیپلماسی با ایران و بعضاً اختلال گرایانه در مسیر اجرای مؤثر برجام بوده و در دوره ترامپ نیز همراهی با دولت در مسیر خروج از برجام و تعدیل کننده برنامه های دولت در توسل به زور ارزیابی شده است. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله به شیوه کتابخانه ای و اینترنتی و نیز با رصد و پایش مستمر روندها در کنگره در طول دوره تصدی اوباما و ترامپ بوده است.

• واژگان کلیدی

تحلیل گفتمان، مطالعه تطبیقی، توافق هسته ای ایران، کنگره آمریکا.

مقدمه و بیان مسئله

مسئله هسته‌ای ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مناقشه برانگیزترین موضوعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول دو دهه اخیر، عرصه رقابت گفتمان‌های مختلف بوده است. به‌عبارت دیگر، هم‌گام شدن گفتمانی خاص در سیاست خارجی ایران، دیپلماسی هسته‌ای خاصی مطابق با آن گفتمان در سیاست خارجی کشور ظهور کرده است (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۸۷). دخالت عوامل سیاسی و تغییر بازیگران دولتی نظیر روی کار آمدن ترامپ و جمهوری خواهان در آمریکا و نوع نگاه آن‌ها به ایران و مسائل منطقه‌ای باعث شد تا آمریکا با طرح خواسته‌های جدید و عدم اجرای تعهدات آمریکا تمامیت این دستاورد بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده و نهایتاً با خروج از آن و بازگرداندن تحریم‌های قبلی و اعمال تحریم‌های جدید و تهدید به مجازات سایر کشورها در صورت عدم تبعیت از سیاست ضدبرجامی آمریکا به‌صورت تدریجی ضربه اساسی به این توافق وارد سازد و ایران را به واکنش متناسب جهت کاهش گام‌به‌گام تعهدات هسته‌ای وادار سازد. بنابراین، دیپلماسی به‌عنوان فن مدیریت تعامل با جهان خارج توسط دولت‌ها مهم‌ترین شاخصه سیاست خارجی کشورهاست که در طول تاریخ ظهور دولت‌ها، تحولات گوناگونی در شکل، محتوا و ساختار آن پدید آمده است (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). از آن‌جا که درک و شناخت رقابت گفتمانی حاکم بر کنگره موجب درک بهتر ریشه‌های موفقیت و ناکامی‌ها در سیاست آمریکا در قبال برجام و نحوه اجرای آن می‌شود، مقاله حاضر در صدد بررسی این موضوع است که روایت متمایز و غالب در کنگره نسبت به برجام در قالب روش تحلیل گفتمان چگونه به یک عنصر شکل دهنده و اثرگذار در سیاست خارجی آمریکا تبدیل می‌شود؟ این پژوهش با تلفیق سطوح تحلیل فرد و دولت و با تکیه بر ترکیب روش‌های فرعی روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها از جمله روش لیتانی، تحلیل گفتمان، تحلیل علل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی و نیز ساختار/جهان بینی به واکاوی این موضوع و چالش‌های پیش‌روی آن در بستر مناسبات سیاست داخلی ایران و آمریکا می‌پردازد. لذا در مقاله حاضر، با تکیه بر ۳ موضوع فضای محیط سیاست داخلی آمریکا، برداشت‌ها و انگاره‌های کنشگران در کنگره و نیز نحوه تعامل میان کنگره و دولت در محیط داخلی به تحلیل و واکاوی نقش کنگره با تمرکز بر روش تحلیل گفتمان پرداخته می‌شود.

سوابق و ادبیات تحقیق

تاکنون کتب و پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با نقش کنگره آمریکا در قبال خاورمیانه تهیه و تدوین شده اما کمتر به نقش کنگره در شکل‌دهی به سیاست آمریکا در قبال ایران توجه شده و یا به اندازه کافی اهمیت این نقش جدی گرفته نشده است و در میان تعداد اندک پژوهش انجام شده نیز، هریک زوایایی محدود از سطح چالش میان ایران و آمریکا مورد واکاوی قرار گرفته است.

اعجازی و قربانی شیخ نشین (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان "نقش کنگره ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۰۵-۲۰۱۷)" به برجسته نمودن بنیان‌های درونی سیاست خارجی آمریکا و نقش کنگره در اتخاذ رویکرد تهاجمی علیه ایران پرداخته و تلاش کرده‌اند تا به درک هرچه بیشتر سیاست‌گذاران ایرانی از میزان تأثیرگذاری سیاست داخلی آمریکا بر سیاست خارجی این کشور در قبال ایران و رفع سوء برداشت‌های احتمالی در مورد عناصر تعیین‌کننده بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران کمک شود. این تحقیق، کنگره دوره بوش و اوباما را تحت پوشش قرار داده ولی شامل سیاست و اقدامات کنگره در دوره ترامپ و تطبیق آن با اقدامات کنگره در دوره اوباما نمی‌شود.

دلورپور اقدم و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان "دیپلماسی تقنینی کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی تحریم‌ها)" با اشاره به نقش کنگره در سیاست خارجی آمریکا در هشت سال ریاست جمهوری اوباما، رویکرد کنگره در این دوره در قبال ایران را رویکردی تهاجمی و مداخله‌گرایانه توصیف می‌کنند، به طوری که از ابتدای کنگره ۱۱۱ در ژانویه ۲۰۰۹ تا پایان فعالیت کنگره ۱۱۴ در ژانویه ۲۰۱۷، نزدیک به ۱۰۰ لایحه تحریمی علیه ایران مطرح گردید. در این تحقیق، تلاش شده تا چارچوب نظری خود را براساس اندیشه سیاسی نومحافظه کاری و تأثیر آن بر رفتار کنگره در این دوره با تمرکز بر موضوع تحریم‌ها واکاوی نماید، در حالی که به سایر موضوعات اولویت‌دار کنگره توجهی ندارد، ضمن این که دوره زمانی آن صرفاً به دوره اوباما محدود شده است.

کترمن، مکینس و تواماس (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "U.S. – Iran Conflict and Implications for U.S. Policy" ضمن اشاره به تشدید تنش‌ها میان ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۹، حادثه ترور شهید سردار سلیمانی در حملات هوایی آمریکا در بغداد در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۰ و واکنش ایران در حمله موشکی به پایگاه عین الاسد را نقطه اوج تنش‌ها دانسته و به وجود اختلاف نظر دولت و کنگره در مورد نحوه استفاده از مجوزهای مربوط به توسل به زور پرداخته‌اند. نانسی پلوسی رئیس وقت مجلس نمایندگان متعاقب ترور سردار سلیمانی در بیانیه ای گفت "این حمله بدون مجوز کاربرد

نیروی نظامی علیه ایران" و نیز "بدون مشورت کنگره" صورت گرفته است. در ژوئن ۲۰۱۹، معاون وزارت خارجه آمریکا طی نامه‌ای به رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان بیان می‌دارد: " دولت تا به امروز، مجوزهای سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ را بعنوان مجوزی برای توسل به زور علیه ایران تفسیر نکرده است، مگر در صورت ضرورت برای دفاع از آمریکا یا نیروهای شرکا که در عملیات‌های ضدتروریستی یا عملیات‌های برای ایجاد یک عراق باثبات و دموکراتیک استفاده نماید". در این تحقیق، به‌رغم تصریح بر وجود اختلاف دیدگاه در کنگره با ترامپ در خصوص مجوز توسل به زور، به موضوع عدم دخالت کنگره در برنامه خروج ترامپ از برجام به‌رغم تلاش ترامپ برای درگیر کردن قوه مقننه در این تصمیم توجهی ندارد.

در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان گفت که مجموعه گرایش‌ها و مطالعات انجام شده در مورد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران و برجام به نقش محوری "دولت" اشاره نموده و در فرایند تدوین و تعیین راهبردها، نقش کنگره را به‌عنوان نقش حاشیه‌ای و یا ثانویه در نظر گرفته‌اند. شاید بخشی از این کار به دلیل پررنگ‌تر بودن نقش اجرا در حوزه سیاست خارجی بوده است. در غالب مطالعات انجام شده، گونه‌های ایدئولوژی و هنجاری محور، گفتمانی، امنیتی و تاریخی تقسیم‌بندی شده است. در نوشته‌های مبتنی بر ایدئولوژی و هنجارها، تصمیم‌گیری کنگره در ارتباط با ایران برگرفته از تأثیر لابی‌های ضدایرانی به‌ویژه لابی‌های صهیونیستی و یا در چارچوب اندیشه‌های نومحافظه‌کاری به توضیح تهدیدات ناشی از اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی می‌پردازند. دسته دیگر، گفتمان محوری مبنای تحلیل این پژوهش‌ها بوده است. به‌عبارت دیگر، تقابل هویت ایرانی و آمریکایی و یا ستیز تمدن آمریکایی با تمدن ایرانی در رقابت راهبرد فرهنگی میان دو کشور را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند. گروه سوم، پژوهش‌های امنیتی و دفاع محور است که در قالب بحث‌های راهبردی و منطقه‌ای به آن ملهم از تأثیرگذاری لابی‌های ضدایرانی به آن‌ها توجه شده است. در تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته، فقدان رهیافت‌های نظری در تحلیل نقش کنگره و یا تعمیم ناقص برخی از آن‌ها به کارکرد این نهاد تقنینی تا حدی مشهود است. دسته دیگری از پژوهش‌ها هستند که صرفاً با نگاهی تاریخی به تصمیم‌گیری‌ها در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته و رویکردی کلی و متصلب را به تصویر کشیده‌اند.

با واکاوی و بررسی هر یک از این پژوهش‌ها از منظر روش‌شناسی، می‌توان برخی از آن‌ها را کلی-نگر، هنجاری، دارای کارکرد موردی و یا آرزوگرایانه توصیف کرد. رویکرد کلی‌نگر، پیچیدگی و پویایی تصمیم‌گیری‌ها در مجموعه ساختار تصمیم‌گیری در آمریکا را به یک متغیر و یا مفهوم دشمن‌تراشی و

ضدیت با ایران و برخورد حذفی تقلیل داده و از پرتوافکنی بر لایه‌های گوناگون حوزه‌های مورد علاقه یا منافع مشترک با نگاه واقع بینانه عاجز بوده است. گروه دوم که با پیش فرض‌های هنجاری و ایدئولوژیک خاصی به سیاست خارجی و تنظیم راهبردها در قبال ایران نگریده‌اند، برخی با ماهیت انقلاب اسلامی و هویت شیعی اسلامی ایران مشکل ذاتی داشته و به هر حرکت ایران با نگاهی تهدیدمحور توجه کرده‌اند. این نگاه تهدیدمحور شاکله ذهنی غالب در کنگره را شکل داده و تغییر در آن ولو در حالت تدریجی آن بسیار دشوار است و از بعد از پیروزی انقلاب تاکنون با یک رویکرد تاریخی به آن توجه شده است. ویژگی چهارم، غلبه رویکرد دفاعی، امنیتی، اطلاعاتی و نظامی در کنگره در هرگونه طرح‌ها و لویح و توجه کمتر به عنصر تعاملات دیپلماتیک و یافتن حوزه‌های منافع مشترک بوده است. آن‌چه گفته شد، به معنای نفی ارزش‌ها و تلاشهای علمی صورت گرفته نیست، بلکه هدف بازخوانی و بازیابی تلاش‌های سیاسی جامعه و حکومت در آمریکا در سطوح رسمی و غیررسمی است.

چارچوب نظری: تحلیل گفتمان

اصطلاح "تحلیل گفتمان" نخستین بار توسط زلیک هریس در سال ۱۹۵۲ به کار گرفته شد. پژوهش‌گران در مطالعات اجتماعی از شیوه‌های کیفی به‌منظور کشف و ریشه‌یابی مسائل استفاده می‌کنند. روش تحلیل گفتمان یکی از روش‌های کیفی است که معانی را در ریشه شرایط اجتماعی هر پیام با توجه به گیرنده و فرستنده جست‌وجو می‌کند. (بشیر، ۱۳۸۵) تحلیل گفتمان به‌طور کلی در دو سطح عام به کار می‌رود. گرایش اول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی است که در دسته‌بندی سه گانه ساختارگرا، نقش‌گرا و انتقادی در کانون تحقیق قرار می‌گیرد و سطح دیگر، استفاده از آن در فلسفه سیاسی اجتماعی است (صالحی زاده، ۱۳۹۰).

مفهوم گفتمان امروزه به‌صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، سیاسی و اجتماعی و ارتباطی در آمده و با مفاهیمی چون سلطه، قدرت و زور، نابرابری و غیره عجین شده است. به همین جهت، معنای آن با آنچه صرفاً در زبان‌شناسی مد نظر بود، تغییر یافته است. موضوع اصلی در تحلیل گفتمان، رویه‌های گفتمانی^۱ و زبانی هستند که هم‌بازنمایی‌هایی از جهان، سوژه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی را بر می‌سازند و هم در پیشبرد منافع گروه‌های اجتماعی خاص نقش ایفا می‌کنند. تحلیل گفتمان امروزه به‌گرایشی بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی تبدیل شده است. در این

^۱. Discourse practice

شیوه، مجموعه اوضاع اجتماعی؛ زمینه وقوع متن یا نوشتار؛ گفتار؛ ارتباطات غیر کلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره کلی نگریسته می‌شود. از نظر مفهومی، در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، صرفاً به عناصر نحوی و لغوی توجه نمی‌شود، بلکه فراتر از آن، به عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی^۱، عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی پرداخته می‌شود. این روش برای شناخت پیام‌ها و برداشت‌ها و معانی به کار رفته در پیام‌های ارتباطی و یا اعلامی به کار می‌رود و تا حد زیادی وامدار زبان‌شناسی است.

متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرایند تولید متن مؤثرند و هم در فرایند تفسیر متن. فرایند تولید و تفسیر با یکدیگر دارای تعامل و کنش متقابل بوده و در نتیجه هم‌دیگر را متأثر می‌سازند. یک متن علاوه بر بافت متن و فرایند و تفسیر متن به شدت متأثر از شرایط اجتماعی است که در آن متن تولید یا تفسیر می‌شوند. بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیر بیشتری نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد. مرحله تفسیر روشن می‌سازد که فاعلان در گفتمان مستقل نیستند و این مرحله به خودی خود بیان‌گر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرض‌ها که کنش‌های گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل می‌کند، نخواهد بود. مرحله تبیین، به توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی و قدرت، گفتمان‌ها را جهت می‌بخشد. این ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه‌ای شکل می‌دهند و گفتمان‌ها دانش زمینه‌ای را حفظ می‌کنند یا آن را تغییر می‌دهند (یحیایی ایله ای، ۱۳۹۰: ۶۲).

گفتمان^۲ شکلی از کاربرد گفت‌وگو اما به‌صورت کلی‌تر است. در گفتمان، تنها معنای ظاهری مطرح شده در گفت‌وگو نقش ندارد، بلکه شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به‌صورت پنهان با خود در بر دارد. در نظر میشل فوکو^۳، گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه سازنده موضوعات‌اند و در فرایند سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند. لذا ادعای تحلیل گفتمان آن است که تحلیل‌گر در بررسی یک متن از خود متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه متن می‌شود. یعنی از یک طرف، به روابط درون متن و از طرف دیگر، به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن می‌پردازد. (حسینی زاده، ۱۳۷۸: ۲۱۰)

1. context of situation

2. Discourse

3. Paul Michel Foucault

تحلیل گفتمان، تحلیل متن و یا تحلیل نوشتار چیزی فراتر از تحلیل رفتار یک کنش‌گر و بازیگر است و نوع پیام‌ها و برداشت‌ها و ابزارهای مورد استفاده وی را نیز در بر می‌گیرد. این مفهوم به مرور زمان از سوی زبان‌شناسان در معناهای مختلفی به کار گرفته شد و امروزه تحلیل گفتمان عمدتاً مباحث ساختار زبانی گفتار از جمله؛ گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و مواضع را شامل می‌شود و بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. بنابراین، برخلاف تحلیل محتوای که بر مبنای داده‌های قابل مشاهده و قابل محاسبه صورت می‌گیرد، تحلیل گفتمان به ساختارهای معناشناختی توجه نموده و فرض‌ها، ارتباطات، دلالت‌ها و راهبردها را روشن می‌سازد.

بنابراین، کنش‌های گفتاری جدی وقتی در چارچوب یک صورت‌بندی گفتمانی که خود نظام مستقلی را تشکیل می‌دهد، گرد هم می‌آیند، گفتمانی را می‌سازند که شیوه‌های اندیشیدن و معیار صدق و کذب را در دوره‌های تاریخی مشخص تعیین می‌کنند. به‌عنوان مثال، در گفتمان انقلاب اسلامی، کنش‌های گفتاری جدی در قبال آمریکا مطرح است. به‌عنوان مثال، "آمریکا شیطان بزرگ است". "اسرائیل غده سرطانی در منطقه خاورمیانه است" و یا "لابی‌های صهیونیستی پیوسته مشغول تهدیدانگاری و ایران‌هراسی هستند". این احکام یا کنش‌های گفتاری جدی در سطح وسیعی در نزد افکار عمومی ایران و آمریکا منتشر شده و به‌صورت نوشتاری و گفتاری بارها تکرار شده و بازتولید می‌شوند.

نورمن فرکلاف تحلیل گفتمان را در سه سطح متفاوت به کار گرفت. سطح اول، گفتمان به مثابه توصیف متن در شکل آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن، سطح دوم، گفتمان به مثابه تفسیر و نشان دادن تعامل بین فرایند تولید و بافت و متن و سطح سوم، گفتمان به مثابه زمینه و تبیین در شکل تأثیر دوسویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها. بنابراین، در مورد تبیین گفتمان، سه سؤال مطرح می‌شود: (۱) عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن به گفتمان مؤثر است؟ (۲) ایدئولوژی: چه عناصری از دانش زمینه‌ای مورد استفاده دارای خصوصیات ایدئولوژیک هستند؟ (۳) تأثیرات: جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطح مختلف نهادی، اجتماعی و موقعیتی چیست؟ (نیستانی، ۱۳۷۹)

پیش فرض‌ها و مفروضات تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی، روان‌کاوی مدرن و دیدگاه میشل فوکو شکل گرفته‌اند، عبارتند از:

- متن^۱ یا گفتار واحد توسط انسان‌های مختلف، متفاوت نگریسته می‌شود، به عبارت دیگر، انسان‌های مختلف از متن واحد، برداشت‌های یکسان و واحدی ندارند. لذا دالی متفاوت می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهرا یکسان استفاده شود؛
- در برداشت و تفسیر از متن همیشه نادرست خواندن موجب برداشت نادرست از آن متن می‌شود؛
- متن را باید به عنوان یک کل معنادار نگریست و این معنا لزوما در خود متن نیست؛
- هیچ متنی خنثی یا بی‌طرف نیست و بار ارزشی و ایدئولوژیک دارند؛
- در هر گفتمان حقیقتی نهفته است لیکن هیچ گفتمان تمام حقیقت را بازگو نمی‌کند؛
- شکل و نحوه متن نیز معنادار است. این معانی در جای خود که دال‌ها را می‌سازند نظیر رمزها، بافت‌ها و مشارکت‌ها و تاریخ مختلف وابسته‌اند؛
- معنا به همان میزان که از متن ناشی می‌شود، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد و معنا و پیام یک متن در بین نوشته‌های آن متن قرار دارد؛
- هر متنی در شرایط و موقعیت خاصی تولید می‌شود و همواره رنگ خالق خود را دارد؛
- هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار و نه لزوما سیاسی مرتبط است (یحیایی ایل‌های، ۱۳۹۰: ۶۰)

مهم‌ترین اهداف در روش تحلیل گفتمانی را می‌توان در شکل ذیل خلاصه کرد:

- نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده در قالب تحقیق علمی؛
- روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن یعنی جریان تولید گفتمان؛
- نشان دادن تأثیر بافت متن، واحدهای زبانی و بافت موقعیتی، عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و تاریخی و شناختی بر روی گفتمان؛
- نشان دادن شرایط خاص تولیدکنندگان گفتمان و شرایط تولید آن؛
- نشان دادن بی‌ثباتی معنا به گونه‌ای که معنا همیشه در حال تحول است و هیچ‌گاه کامل نیست و به‌طور کامل درک نمی‌شود؛
- آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی و این‌که همیشه متن و گفتار به موقعیتی خاص وابسته است. (صالحی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

^۱. Text

تحلیل انتقادی گفتمان، حاصل تلاش‌های فکری و نظری اندیشمندانی چون فوکو، لاکلائو و موفه است. تحلیل انتقادی گفتمان از مطالعه و توصیف ساختار، کارکرد رویه‌ها و کردارهای گفتمانی فراتر می‌رود. در حقیقت، نظریه گفتمان در سنت انتقادی، به نقش معنادار کردارها و اندیشه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی می‌پردازد. این رویکرد همچنین شیوه‌هایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که از طریق آن‌ها، نظام‌ها و ساختار معانی، نوع خاصی از کنش و عمل ممکن می‌شود. "هژمونی" مفهوم بنیادین این نظریه به‌شمار می‌آید. اگر یک گفتمان بتواند بر دیگر گفتمان‌ها چیره شود و ذهن و اندیشه عامل-های اجتماعی را در اختیار بگیرد و از این راه، هویت رفتار و فعالیت‌های اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار دهد، به گفتمان هژمونیک در جامعه تبدیل شده است. به نظر "لاکلا و موفه" شیوه تفکر، بنای جامعه و عمل اجتماعی محصول مفصل‌بندی‌های سیاسی است و نظام اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌هایی مفصل‌بند شده از گفتمان‌ها همواره ساخته‌هایی سیاسی‌اند. بدین معنا که بر اعمال قدرت و خصومت و طرد غیر استوارند (دبیری مهر، ۱۳۹۷: ۳۷).

در چهارچوب تحلیل انتقادی گفتمان، تعاریف متفاوتی از گفتمان ارائه شده است. بعضی گفتمان را ایدئولوژی تعریف کرده‌اند، اما با این تفاوت که گفتمان برخلاف ایدئولوژی، واجد ویژگی‌های تقلیل‌گرایانه، حقیقت‌مدارانه، جهان‌شمول و هژمونی نبوده و جهان‌بینی را توجیه نمی‌کند؛ از این‌رو، گفتمان فراتر از ایدئولوژی سنتی است، به‌گونه‌ای که انتزاع متفاوتی از کردارها و عمل‌های اجتماعی و سیاسی، نهادها و سازمان‌ها را نیز در بر می‌گیرد (هوارت، ۱۳۸۴: ۱۹۶ - ۱۹۵). اما فوکو، گفتمان را عام‌تر از ایدئولوژی سیاسی می‌داند؛ زیرا ممکن است سازوکارهای آن، مرزهای چند ایدئولوژی را درنوردد. رویکرد لاکلائو به گفتمان، استعلایی است؛ یعنی گفتمان پیش از هر چیز که شناخت و کنش انسان را معنا می‌بخشد، وجود دارد و انسان، تنها از طریق گفتمان قادر است جهان را درک و فهم کند؛ به‌عبارت دیگر، امکان اندیشه، عمل و درک کامل، به وجود گفتمان بستگی دارد که پیش از هرگونه بی‌واسطگی عینی حضور دارد، ولی دچار تغییر و تحول می‌شود (آهویی، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

براساس آنچه گفته شد، گفتمان مجموعه‌ای از احکام و قضایای منطقی به‌هم پیوسته و مرتبط، مانند مفاهیم، مقولات، طبقه‌بندی‌ها و قیاس‌ها که جهان اجتماعی را بر ساخته یا معنادار می‌سازند؛ می‌باشد. به‌گونه‌ای که بعضی از رفتارها و کردارها، ممکن و مشروع و برخی دیگر، نامشروع و غیرممکن می‌شوند؛ بنابراین، سه معنا و کارکرد را برای گفتمان می‌توان تصور کرد؛ نخست، گفتمان به‌عنوان نظام دلالت که واقعیت‌های اجتماعی را بر ساخته و قوام می‌بخشد. این تلقی از گفتمان، مبتنی بر فهمی سازه‌انگارانه از معناست؛ به‌گونه‌ای که اشیا و امور، به خودی خود هیچ معنایی نداشته و جهان

مادی نیز هیچ‌گونه معنایی را حمل و منتقل نمی‌کند، بلکه افراد با استفاده از این نظام دلالت یا گفتمان، به اشیا معنا می‌بخشند؛ دوم، گفتمان، متضمن قدرت مولد بوده و قادر به تولید و بازتولید اشیایی است که در این نظام معنایی و دلالت تعریف می‌شوند؛ از این رو، گفتمان علاوه بر فراهم ساختن زبانی برای تحلیل و طبقه‌بندی پدیده‌ها، راه‌ها و شیوه‌های بودن و کنش در جهان را قابل فهم و "رژیم حقیقت" خاصی را عملیاتی می‌سازد و سایر اشکال ممکن هویت و کنش را، مستثنا و حذف می‌کند؛ سوم، گفتمان در چهارچوب بازی رویه‌ها و کردارها، چگونگی مسلط شدن یک نظام معنایی و ساخت‌دهی به معانی در ارتباط با اعمال رویه‌ها و فهم‌پذیری و مشروع‌سازی آن‌ها را توضیح می‌دهد (کیانی، بی تا: ۲)

تحلیل گفتمان به مثابه روش تحلیل

۱- ارزیابی نقش کنگره از منظر روش تحلیل

از منظر روش‌شناسی، سطح تحلیل گفتمان و جهان‌بینی یکی از سطوح تحلیل لایه‌ای علّت‌ها از انواع روش‌های تحلیل در روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. در روش تحلیل لایه‌ای علّت‌ها، تعمیق آینده از جایگاه مهمی برخوردار است و نباید آن را روشی برای پیش‌بینی آینده به‌شمار آورد، بلکه به‌دنبال فراهم ساختن فضایی برای خلق آینده‌های بدیل و طراحی سیاست‌های مؤثرتر، جامع‌تر، عمیق‌تر و بلندمدت‌تر است. بنابراین، این روش به‌دنبال درک عمیق‌تر از نگاه ما به جهان و در نتیجه باز کردن راه برای شناخت آینده‌های بدیل است (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۸: ۸).

در سطح تحلیل لایه‌ای علّت‌ها که به سطح تحلیل علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی می‌پردازد، داده‌های کمی مورد تفسیر قرار می‌گیرند و معمولاً توسط مؤسسات تحلیل سیاست و یا کانون‌های فکری وابسته به جریانات در کنگره و در قالب سرمقاله در روزنامه‌ها، یا گزارش‌ها و توصیه‌های مراکز مطالعاتی و فکری منتشر می‌شود. این روش به‌علت ارتباط معنایی و مستقیم سطح تحلیل گفتمان و جهان‌بینی، بیش از دیگر سطوح تحلیل با مقاله حاضر انطباق دارد. در این سطح به ساختار و گفتمان / جهان‌بینی که به نوبه خود حامی و مشروعیت بخش ساختار کنگره است، می‌پردازد. در این سطح، فرض‌های استدلالی و پیش‌فرض‌های مطرح شده در مورد ایران و برنامه هسته‌ای بر پایه برداشتها و انگاره‌ها و جهان‌بینی حاکم بر هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه و طیف‌های موافق و مخالف برجرام در کنگره پیش‌رفته و مورد واکاوی قرار گرفته است. مطابق این سطح، هر چند عوامل و کنش‌گران اصلی را نمایندگان کنگره تشکیل می‌دهند، لیکن تشخیص فرضیات عمیق‌تر و

مفروضاتی که برپایه آنان از سوی بازوهای فکری در کنگره ترویج و تغذیه می شوند، مورد توجه قرار گرفته و نخبگان سیاسی و اصحاب اندیشه نقش محوری دارند. به عبارت دیگر، نوع شناخت و تصویری را که کنش‌گران نسبت به ایران و برنامه هسته‌ای ایران ایجاد می‌کنند، نقش مهمی در برداشت‌ها و خروجی تصمیم‌گیری‌ها دارد. این موضوع در حوزه شناخت روش تحلیل SPACE نیز قابلیت تعمیم و بررسی دارد (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۸: ۸). مقاله حاضر با توجه به این که روش تحلیل لایه‌ای علت-ها قادر است با ساخت‌شکنی پدیده‌های اجتماعی و رسیدن به درکی عمیق از لایه‌ی زیرین مسائل و مشکلات روابط ایران و آمریکا، به واکاوی آن‌ها بپردازد، عوامل و متغیرهای اثرگذار در سطوح مختلف را مورد توجه قرار می‌دهد.

سطحی‌ترین لایه روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، سطح تحلیل لیتانی است که به معرفی دیدگاه‌های رسمی و پذیرفته شده از یک واقعیت نظیر برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد. در این روش، روندهای کمی و کیفی مشکلات غالباً به صورت مبالغه آمیز و معمولاً در راستای مقاصد سیاسی توسط رسانه‌های خبری معرفی می‌شوند، امری که توسط بازیگران داخلی در آمریکا در نحوه برخورد با برجام با بزرگ‌نمایی تهدید آن در سطح و حجم بالایی به‌وضوح دیده می‌شود.

سطح دوم، سطح تحلیل علل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است که دیدگاه سیستمیک را نمایندگی می‌کند و معمولاً توسط مؤسسات تحلیلی با استفاده از داده‌های کمی تهیه شده در سطح لیتانی، مورد تفسیر قرار می‌گیرند و در سرمقاله‌ها و گزارش‌های مجلات و روزنامه‌ها انعکاس می‌یابد. در این ارتباط، موضوع تهدیدانگاری برنامه هسته‌ای ایران و ابعاد آن حجم وسیعی از سرمقاله‌ها و گزارش‌های منابع آمریکایی را به‌خود اختصاص داده است.

نهایتاً، در سطح سوم به ساختار و گفتمان و جهان‌بینی اشاره دارد و مبانی و مفروضات شکل دهنده ذهنیت و برداشت‌های مقامات آمریکایی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران را تحت پوشش و ارزیابی قرار می‌دهد. ساختارهای عمیق اجتماعی، زبانی و فرهنگی در آمریکا که شکل دهنده جهان‌بینی و ایدئولوژی آن‌ها نسبت به ایران و برنامه هسته‌ای است و عمدتاً تحت تأثیر فعالیت لابی‌ها و کانون‌های فکری وابسته به صهیونیست‌ها و یا اعراب است، در این سطح مورد توجه قرار می‌گیرد (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۸).

مهم‌ترین نوآوری در نگارش مقاله حاضر این است که در تحلیل گفتمان کنگره در فرایند قبل، حین و بعد از برجام، زبان‌شناسی و متون نمایندگان و سناتورها در کنگره نقش بسیار مهمی در شکل-

گیری گفتمان‌ها و سیاست دولت آمریکا در قبال برجام داشته و به دلیل سایه سنگین رقابت گفتمانی کنگره و دولت بر این توافق، کنگره از تأثیرگذاری بالایی بر مسیر اجرای این توافق داشته است.

۲- رقابت یا منازعه گفتمانی درون آمریکا

گفتمان‌ها نقش مؤثری در شکل‌گیری و روندهای سیاست کشورها دارند. واحدهایی که از قالب گفتمانی مشخص برخوردار هستند، تلاش خواهند کرد تا اهداف راهبردی خود را از طریق دیپلماسی، به کارگیری ابزار قدرت و چانه‌زنی تأمین نمایند. این امر بیانگر آن است که دیپلماسی می‌تواند محور سیاست کشورها محسوب شود و از طریق شکل‌بندی و قواعد گفتمانی عرضه گردد. قواعد گفتمانی براساس پارادایم خاصی شکل می‌گیرد. هر پارادایم جهت‌گیری کلان سیاست خارجی را به نمایش می‌گذارد (پوستین چپی، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۵).

در واقع، برجام در دوره‌ای اتفاق افتاد که در آمریکا یک دولت تقسیم شده^۱ حاکم بود. به‌عبارت دیگر، در دولت تقسیم شده، کنترل قوه مقننه و مجریه در دستان یک حزب نیست و رقابت حزبی بر برجام و سایر موضوعات سایه می‌افکند. در واقع، در سال ۲۰۱۵، قوه مجریه در اختیار دموکرات‌ها و کنترل مجلس نمایندگان و سنا در اختیار جمهوری خواهان بود. طبق این تعریف و معیار، بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ دولت واحد حاکم بود و هر دو قوه در اختیار دموکرات‌ها قرار داشت. وجود این واقعیت و مؤلفه حاکم بودن دولت واحد یا دولت تقسیم شده در آمریکا در زمان تعاملات با این کشور در چگونگی اجرای تعهدات این کشور و غلبه گفتمانی حزب حاکم و راهبردها و عناصر این گفتمان در مسیر اجرای برجام بسیار اثرگذار است.

به‌رغم مسئولیت و تعهدات بین‌المللی دولت آمریکا، سهم فرایندهای داخلی در این کشور در میزان سرعت اجرای برجام تعیین‌کننده بوده است. از آنجایی که برجام از منظر سیاست داخلی آمریکا حاصل تلاش دولت اوباما و حمایت اکثریت سناتورهای دموکرات از وی بود که از طریق اختیارات قانونی فیلی باستر تحقق یافت، این امر بسیار مهم و اثرگذار بر محیط منطقه‌ای برای جمهوری خواهانی که اولویت بالایی برای دغدغه امنیتی رژیم اسرائیل دارند، به آسانی قابل هضم نبوده است.

در سطح رسمی، نگاه گفتمان ترامپ به قواعد و ارزش‌های بین‌المللی و توافقات بین‌المللی بسیار متفاوت از گفتمان اوباما است. دال مرکزی گفتمان سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران مبتنی بر مهار و تضعیف ایران از طریق لغو برجام و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای برای تحدید نفوذ ایران

^۱. Divided Government

بود. گفتمان ترامپ درخصوص تغییر برجام در عمل در مقابل گفتمان حفظ برجام از سوی اروپایی ها مطرح شد. در این بخش، تلاش می‌شود رفتارها و گفتمان‌های درون کنگره براساس شیوه تحلیل لایه‌های علت‌ها در سه سطح لیتانی، علل اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی (گفتمان مسلط) و نیز ساختاری / جهان بینی واکاوی شود.

۳- رقابت یا منازعه گفتمانی درون کنگره

الف- سطح لیتانی یا نمایندگی دیدگاه رسمی:

در این سطح که هم‌سو با توصیف متن است، تمرکز بر واژه‌ها، وجوه دستوری و تحلیل زبان-شناختی متن است که به جستجوی "ارزشهای تجربی"، "ارزش‌های رابطه‌ای" و "ارزش‌های بیانی" موجود در متن که فرکلاف آن‌ها را "ارزش‌های صوری" متن می‌داند، پرداخته می‌شود. از نگاه فرکلاف، ارزش تجربی دربرگیرنده تجربه تولیدکنندگان متن از جهان طبیعی یا اجتماعی است که با محتوا، دانش، و اعتقادات و ... سرو کار دارد. ارزش‌های رابطه‌ای آن دسته از روابط اجتماعی را مورد اشاره قرار می‌دهد که از طریق متن در گفتمان به مورد اجرا در می‌آید و ارزش رابطه‌ای با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سرو کار دارد. در ارزش بیانی، هویت‌های اجتماعی مد نظر هستند و روشن می‌سازد که متن چگونه برخی از ویژگی‌های خاص هویت‌های اجتماعی را برجسته می‌سازد و برخی از ویژگی‌ها را طرد می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱ - ۱۷۲).

در این سطح، طبقه بندی کارگزاران و افراد مؤثر و دخیل در تصمیم‌گیری در کنگره در ظرفیت شخصی و یا روسای کمیته‌های تخصصی مربوطه در شکل دهی به سیاست خارجی مولفه مهمی به-شمار می‌آید. توصیف سناتورهایی هم‌چون تام کاتن، مارک رובیو، تد کروز و لیندسی گراهام به‌عنوان "طیف ضدایرانی" و "مخالفین جدی برجام" چشم‌انداز روشنی از اقدامات و عملکرد آن‌ها در این مسیر را نشان می‌دهد. انگاره‌ها، انگیزه‌ها و رفتار این سناتورها پیوسته در کنگره معطوف به ارائه و یا حمایت از طرح‌ها و لوایح و قطعنامه‌های ضدایرانی بوده است.

در کنگره، از ابتدای بحث شکل‌گیری برجام نگاه یکسان و واحدی وجود نداشت و عملاً این موضوع تحت تأثیر دستور کار حزبی و در فضای دوقطبی حاکم بر کنگره پیش رفت. دموکرات‌ها به برجام بعنوان دستاوردی در حوزه سیاست خارجی و جمهوریخواهان بعنوان دادن امتیازی به ایران نگاه می‌کنند. به‌عنوان مثال، بیش از ۱۸۰ عضو کنگره در تاریخ ۴ اکتبر ۲۰۱۷ طی نامه‌ای به ترامپ درخواست تأیید دوباره پایبندی ایران به برجام می‌کنند. این طیف، در واکنش به سخنان ترامپ مبنی

بر امکان عدم تأیید پابندی ایران به برجام، با اشاره به اینکه مدرکی دال بر نقض توافق از سوی دولت به کنگره ارائه نشده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مقامات نظامی و اطلاعاتی بر پابندی ایران به برجام صحنه گذاشته‌اند، خروج از توافق را عاملی برای ضربه زدن به اتحاد ایالات متحده با کشورهای متحد، تهدید امنیت ملی آمریکا توسط ایران و ارسال پیام عدم پابندی به توافقات توسط آمریکا به کره شمالی می‌دانند. سناتور کین^۱ در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۷ با اشاره به تصمیم احتمالی ترامپ در خصوص عدم تأیید پابندی ایران به برجام، این عمل را باعث به خطر افتادن دیپلماسی و افزایش خطر جنگ دانسته و این تصمیم را با وجود تأیید پابندی ایران به برجام از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک ارتش، خلاف منافع ملی آمریکا تلقی کرده است.

بعد دیگری از منازعه گفتمانی مربوط به روایت سازی از این توافق است. مخالفین برجام با برچسب‌هایی تحت عنوان "توافق فاجعه بار"، "وحشتناک"، "بسیار خطرناک"، "مصیبت بار"، "بزرگترین سوء محاسبه در تاریخ سیاست خارجی مدرن" و "اشتباه بزرگ" به شکل دهی روایت و گفتمان ناکامی در سیاست خارجی پرداختند. این طیف جهت تقویت استدلال خود گزاره‌هایی هم-چون "برجام قادر به ارزیابی هدف نهایی نیست"، "از دست‌یابی به بازرسی در هر زمان و در مکان ناتوان است"، به‌رغم همه تضمین‌ها، برخلاف وعده داده شده به مردم آمریکا، این توافق کامل نیست" را برجسته نمودند. در مقابل، موافقین برجام بر روایت موفقی از این‌که "توافق به هدف جلوگیری ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای رسیده است"، "برجام، همه مسیرهای ایران به بمب را مسدود کرده است"، تأکید نمودند و ضمن انتقاد از استدلال مخالفین برجام، از این توافق به‌خاطر اعمال قوی‌ترین و فراگیرترین نظام راستی‌آزمایی دفاع کردند (Oppermann, 2017: 18).

زمینه دیگری از منازعه گفتمانی میان موافقین و مخالفین برجام، به پیامدهای توافق در شکل مثبت و منفی آن اشاره دارد. در حالیکه مخالفین، پیامدهای منفی برجام برای صلح و امنیت بین‌المللی، ثبات در خاورمیانه و منافع آمریکا را مورد اشاره قرار می‌دهند، معتقدند "برجام عملاً ایران را دولت دارای آستانه هسته‌ای به رسمیت شناخته" و انتظار می‌رود "نیت هژمونیک ایران در سراسر منطقه تقویت شود" و "برجام ده‌ها میلیارد دلار و در اثر لغو تحریم‌ها صدها میلیارد دلار به دشمن یعنی ایران می‌دهد" و این به‌معنای آن است که "منابع بیشتری در اختیار ایران قرار می‌گیرد تا" به تلاش‌های خود در کشتن آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها ادامه دهد" و "با گروه‌های (به اصطلاح) تروریستی در منطقه برای هدف قرار دادن اتباع آمریکایی همکاری کند". در مقابل، موافقین برجام با وصف

^۱. Tim kaine

عناوینی هم‌چون "توافق خوب"، "توافق قوی"، "توافق تاریخی" و "نقطه عطف تاریخی" نمونه از موفقیت سیاست خارجی را به تصویر کشیدند و با برجسته سازی گزاره‌هایی هم‌چون "برجام، گام مهمی در جهت امنیت ملی آمریکاست"، "از طریق صلح آمیز و قابل راستی آزمایی همه مسیرهای دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای مسدود شد"، "خانواده‌های ما امروز در اثر این توافق در امنیت بیشتری هستند"، "بدون توافق، ایران به سمت توسعه سلاح هسته‌ای می‌رفت" و ... از برجام دفاع کردند. همچنین، تخصیص مسئولیت بخش دیگری از این مناظره را شکل می‌داد. در حالی که مخالفین برجام به دنبال یافتن مقصر بودند، موافقین برجام در روایت‌های خود مدعی کسب اعتبار در سیاست خارجی بودند. مخالفین برجام، این توافق را "توافق رئیس‌جمهور"، "توافق اوباما" و "میراث سیاست ناکامی و ضعف رئیس‌جمهور" در خاورمیانه توصیف کردند. در مقابل، سناتورها و نمایندگان ارشد دموکرات کنگره در دفاع از برجام، ضمن اشاره به عنصر اعتبار آمریکا بر گزاره‌هایی هم‌چون "لحظه غرور و موفقیت خود" و "مسئولیت‌پذیری آمریکا در کمک به ایجاد ثبات در خاورمیانه" تاکید نمودند (Oppermann, 2017: 19).

(ب) سطح علل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی:

گفتمان‌های مطرح در کنگره و دولت دارای ریشه‌های تاریخی هستند. "پذیرش بافت بینامنی مستلزم این است که به گفتمان‌های متون از دریچه چشم‌انداز تاریخی نگریسته شود" (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۰ - ۲۳۵). در تفسیر متن، ترکیبی از محتوای متن و ذهنیت مفسر به کار گرفته می‌شود که دانش زمینه‌ای و ریشه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی دارد.

مناظره‌های حزبی در کنگره درخصوص برجام فرصت کم‌نظیری برای بررسی منازعه‌های گفتمانی و روایتی درخصوص ساختمان اجتماعی موفقیت یا ناکامی سیاست خارجی را به تصویر می‌کشد. افکار عمومی آمریکا همانند دوقطبی در کنگره و یا شکاف میان کنگره و دولت بر سر این موضوع تقسیم شده است. در حالی که براساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو (۲۰۱۵)، نسبت مخالفین برجام ۴۸ به ۳۸ بود، براساس نظرسنجی YouGov (۲۰۱۵) نسبت موافقین برجام ۴۳ به ۳۰ بود. تطبیق این نظرسنجی‌ها بیان‌گر این است که هیچ‌یک از گفتمان‌ها بر دیگری غلبه چشم‌گیری ندارد ولی از منظر موفقیت یا ناکامی سیاست خارجی موقعیت تقریباً برابر را نشان می‌دهد (Oppermann, 2017: 4).

مبحث ایران‌هراسی به مثابه یک گفتمان ریشه در اندیشه برتری غرب و نیز عرب‌ها در برابر عجم دارد که به دوره حمله اعراب به ایران و سپس گرویدن ایرانیان به مذهب تشیع باز می‌گردد. از این

منظر، گفتمان ایران هراسی بیان کننده احساس مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران است (خواجه سروری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۹). یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های سیاسی در گسترش ایران هراسی در جهان غرب و آمریکا، جریان نومحافظه‌کاران است. این جریان‌ها در کنار یکدیگر، توانستند بعد از به قدرت رسیدن بوش پسر و حوادث ۱۱ سپتامبر نقش مهمی در هژمونیک شدن گفتمان اسلام هراسی داشته باشند. این طیف معتقد است دنیا دو راه بیشتر ندارد؛ یا زیر سلطه کامل آمریکا خواهد رفت و یا دچار هرج و مرج و آشوب خواهد شد. نظریه پردازان این جریان، الگوی تخریب سازنده^۱ برای مقابله جهان غرب علیه گروه‌های اسلام‌گرا را مطرح کرده‌اند. دانیل پاییز براساس همین الگو، معتقد به تغییر قالب‌ها و قواعد ایدئولوژیک در جهان اسلام می‌باشد و نه تنها به مهار اسلام‌گرایان اکتفا نمی‌کند، بلکه خواهان جنگ با اسلام‌گرایان و آزادی‌سازی جهان از وجود اسلام‌گرایان است. این گروه، ایران را کانون تولید و رواج شرّ دانسته و وجود رژیم اسرائیل را برای مهار کشورهای اسلامی ضروری می‌دانند و خواهان مقابله با تبدیل شدن ایران به قدرت برتر منطقه‌ای هستند. در این میان، همچنین مهار قدرت منطقه‌ای ایران از طریق تقویت عربستان از جمله ابزارهای در دسترس آمریکا بوده است. عربستان به‌عنوان متحد سنتی و راهبردی آمریکا در خاورمیانه منافع خود را به‌گونه‌ای با آمریکا هم‌سو کرده است که بتواند موازنه منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد و متحدین منطقه‌ای ایرانی یعنی عراق، سوریه و یمن را تضعیف کند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

در واقع، القاء هراس از ایران از همان سال‌های ابتدایی وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، به‌عنوان یک پروژه گفتمانی به اشکال مختلفی در رسانه‌های غربی و عربی و صهیونیستی جلوه‌گر شده است، پدیده‌ای که می‌توان آن را به مثابه پروژه‌ای عظیم در نظر گرفت که هدف آن نه تنها ایران هراسی، بلکه تشدید هراس از اسلام، مسلمانان و به‌ویژه شیعیان دانست. سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه با قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با مانع جدی روبرو شد. از این‌رو، آمریکا از همان ابتدای انقلاب، تحت عناوین مختلف تصمیم به مقابله با ایران گرفت. در این میان، نقش رسانه‌های آمریکایی و عرب‌زبان در دامن زدن به این گفتمان و روایت‌سازی‌ها قابل توجه است. سه کشور عربستان سعودی، قطر و مصر در مقاطعی نقش عمده‌ای در جهت‌دهی به افکار عمومی جهان عرب داشته‌اند. عربستان سعودی با داشتن بیش از یکصد رسانه ماهواره‌ای و گردش مالی سالانه ۱۰ میلیارد دلاری در حوزه رسانه و مصر به‌علت داشتن

^۱. Chaos destruction

نیروهای باتجربه رسانه‌ای، افکار عمومی جهان عرب و غرب را در قبال ایران مهندسی می‌کنند (هانی زاده، ۳ تیر ۱۳۹۴).

بنابراین، در مبحث رقابت گفتمانی و هژمونیک شدن، شیعه هراسی و ایران هراسی در منطقه خاورمیانه به شدت متأثر از گفتمانی است که جریان‌های سیاسی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایجاد نموده‌اند. در این میان، نقش یهودیان صهیونیست، لابی‌ها و کانون‌های فکری وابسته به آن، در ترویج این اندیشه بسیار مهم است و هر چه قدر بین شیعه و سنی در جهان اسلام اختلاف و جنگ باشد، تلاش برای تعقیب هدف تأمین امنیت رژیم صهیونیستی بیشتر و بهتر قابل شناسایی و درک است.

ج) سطح ساختاری/ جهان بینی:

در مرحله تبیین، گفتمان به‌عنوان کنش اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی بر ساختارها می‌گذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. از نظر فرکلاف، تبیین، دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزات اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است (فرکلاف، ۱۳۷۹).

نقش سنتی ساختار کنگره در ارتباط با نوع و نحوه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها در قبال ایران یکی از عناصر مهم و اثرگذار بر برجام و احیای آن به‌شمار می‌آید. در کنگره ۱۱۴ به‌علت کنترل اکثریت مجلس توسط جمهوری خواهان و در اختیار داشتن ریاست کمیته‌ها، روایت‌ها متأثر از گفتمان مخالفین برجام است. مطابق برداشت و یافته‌های اکثریت کنگره ۱۱۴ و ۱۱۵، دولت اوباما فراتر از اختیارات قانونی خود عمل نموده و برای نیل به این توافق و برجای گذاشتن میراثی از خود عجله به خرج داده است. در مقابل، دولت اوباما با آگاهی از دشواری مسیر پیش رو، باستناد ظرفیت‌های قانونی و حمایتی دموکراتها، تاکتیک دور زدن کنگره و یا به حداقل رساندن نقش آن از طریق تصویب قطعنامه شورای امنیت را دنبال نمود. احساس اکثریت جمهوری خواه کنگره مبنی بر عدم تمایل دولت برای جلب رضایت آن‌ها و یک‌سویه پیش بردن ابتکار برجام که ظرفیت‌های تحریمی و محدود شده قبلی ایران را آزاد می‌کرد، این نهاد را به سمت موضع‌گیری سلبی سوق داد. امکان محدود مانور کنگره برای پیشبرد تحریم‌ها در حوزه هسته‌ای، انگیزه مضاعفی در میان سناتورها و نمایندگان کنگره برای فشار بر سایر بخش‌های قدرت ایران شکل گرفت. برداشت غالب این بود که سیاست دفاعی و خارجی ایران بعد از برجام شکل تهاجمی‌تر به‌خود گرفته و بازیگران مختلف در ایران با رهیافت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و نیز با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای متعدد به پیشبرد این سیاست‌ها کمک می‌کنند.

تمرکز بر رفع و جبران نواقص سیاست اوباما در خاورمیانه از طریق حمایت از برنامه‌ها و اقدامات مقابله‌ای با چالش‌های ناشی از کانون‌های بحران خاورمیانه و اطمینان از اولویت قرار گرفتن مشارکت راهبردی آمریکا - اسرائیل و نیز ایجاد ائتلاف میان رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی خلیج فارس، در اولویت کار کنگره قرار داشت. در نهاد کنگره، همواره تفکر غالب این بوده است که رویکرد فشار و تحریم ایران در سایر حوزه‌ها در تضعیف موقعیت دولت و نظام سیاسی مؤثر و کارآمد بوده و اطمینان از استمرار آن می‌تواند تغییر در سیاست‌ها و رفتار جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته باشد. این طیف به تدریج نگاه ابزارگونه خود به تحریم را به سمت تثبیت یک هدف راهبردی سوق داده بود. دفاع از آماده شدن برای دور جدید تحریم‌های موسوم به خفه کننده یا فلج کننده، از چنین رویکردی نشأت گرفت و برجام باعث شد تا دست کنگره برای ادامه این مسیر در شکل آسان آن بسته شود.

جمهوری خواهان کنگره در دوره اوباما از حداکثر ظرفیت ممکن برای اثبات این نقش استفاده کردند و نشست‌های استماع متعدد و مستمری برگزار کردند. به عنوان مثال، ۱۴ سناتور در تاریخ ۲۶ اکتبر ۲۰۱۷ طی نامه‌ای به نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد با ابراز نگرانی از نقض‌های صورت گرفته در قالب نظام بازرسی و راستی آزمایی سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسط ایران، از نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد می‌خواهند که با فشار بر کشورهای امضا کننده توافق برجام و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نظام بازرسی‌های بین‌المللی از سایت‌های نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران سخت‌گیرانه‌تر شود. در اقدامی دیگر، اد رویس^۱ رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان در تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۸ از منوچین، وزیر خزانه‌داری درخواست کرد که در کنار اعمال فشار جهت باقی ماندن ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی FATF، اقداماتی در جهت حفاظت سیستم مالی از پول شویی و حمایت مالی از تروریسم، توسط ایران انجام دهد (House Foreign Affairs Committee, 2018). در فرایندهای مرتبط با تصویب لوایح و مصوبات مربوط به برجام، نقش لابیست‌های مخالف برجام نظیر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، اتحاد علیه ایران هسته‌ای، ایپک و نیز نقش لابی‌های خارجی نظیر اسرائیل - عربستان سعودی - امارات عربی متحده و گروه‌های اپوزیسیون ایرانی بسیار بارز بود.

الگوی رفتاری کنگره ۱۱۴ تحت تأثیر این لابی‌ها شامل طیفی از اقدامات نظیر ممانعت از شکل‌گیری برجام، تأثیرگذاری حداکثری بر محتوای برجام، دور زدن برجام و همراهی نسبی با برنامه‌های دولت بود. به طوریکه در روندهای قبل از برجام، حین مذاکرات و بعد از اجرای برجام از طریق ارائه و

^۱. Ed Royce

تصویب طرح ها، قطعنامه‌ها و انجام مکاتبات مستمر و مستقیم با رئیس جمهور و وزیر خارجه در چارچوب نظارت بر این توافق، نقش " پلیس بد " و بعضا اخلاص گرایانه‌ای ایفا کرد. در این دوره، به‌طور کلی سه دیدگاه قابل دسته‌بندی است:

دیدگاه اول معتقد است ایران بعد از برجام توانسته است تا حدودی تماس‌ها و ارتباطات بین‌المللی خود را افزایش دهد و این تماس‌ها به نوبه خود می‌تواند بر رفتار ایران اثر مثبت و سازنده‌ای بر جای بگذارد. موافقین برجام در این طیف قرار دارند.

دیدگاه دوم بر این باور است که با سرازیر شدن میلیاردها دلار به سمت ایران، رفتار منطقه‌ای ایران تهاجمی‌تر شده و این طیف ادامه تحولات در یمن و سوریه را نمونه‌ای از این روند می‌داند. این گروه می‌گوید که به موازات اجرای برجام و حفظ آمادگی برای برگشت‌پذیری تحریم‌ها، لازم است تحریم‌ها در سایر حوزه‌های غیرهسته‌ای با شدت و جدیت بیشتری اجرا و به پیش برود. مخالفین برجام در این طیف قرار دارند. تلاش برای تمدید قانون تحریم‌های ایران موسوم به آیسا و یا اصلاح قانون کاهش تهدید ایران و پاسخ‌گویی سوریه (سیسادا) در این راستا ارزیابی می‌شود. مخالفین برجام، با توجه به نقش کلیدی موضوع معاملات مالی و بانکی، با استناد به قوانین و محدودیت‌های مربوط به حوزه‌های موشکی و تروریسم و نیز حقوق بشر همچنان بر استمرار معرفی بخش‌های مالی و بانکی ایران به‌عنوان حوزه نگرانی تأکید دارند.

دیدگاه سوم می‌گوید هر چند لازم است کنگره در راستای بند مربوط به برگشت‌پذیری تحریم‌ها آمادگی خود را حفظ نماید، لیکن باید فرصت کافی برای چگونگی اجرای برجام نیز داده شود. می‌توان بخشی از طیف موافق برجام را در این گروه لحاظ کرد. این طیف در واقع هم‌سو با استدلال دولت اوباما تلاش می‌کرد.

با روی کار آمدن ترامپ، اکثریت کنگره ۱۱۵ (جمهوری خواهان) ضمن حمایت از رویکرد ترامپ برای خروج از برجام، فعالیت خود را با تعقیب اقداماتی نظیر مقابله با ایران در حوزه‌های غیرهسته‌ای، محدودسازی تعهدات آمریکا در اجرای برجام، ممانعت از بهره‌مندی ایران از مزایای برجام، دور زدن برجام با تشدید تحریم‌ها در حوزه‌های به اصطلاح غیرهسته‌ای و ... آغاز کرد و برخی نمایندگان جمهوری خواه طرح‌ها و قطعنامه‌هایی برای محدودسازی انتفاع مالی و اقتصادی ایران از مزایای برجام ارائه کردند. در این دور از فعالیت کنگره، نهایی و اجرایی شدن یک قانون (موسوم به قانون مقابله با مخالفین آمریکا از طریق تحریم‌ها)، تصویب اولیه ۶ قانون در مجلس نمایندگان مشتمل بر قانون اجرای تحریم‌های بین‌المللی و موشک بالستیک ایران، اصلاحیه جلوگیری از تأمین مالی بین‌المللی

حزب‌اله، قانون اختیارات مالی اطلاعاتی، قانون حفاظت از شهروندان سوری موسوم به سزار، و قانون به‌روز ساختن تحریم‌ها و رهگیری کره شمالی و نیز یک مصوبه اولیه در مجلس سنا در ارتباط با مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌ساز ایران برای اثرگذاری بر اجرای برجام تعقیب شد. برخی سناتورهای جمهوری خواه در تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۱۸ طی نامه‌ای به بریتانیا، فرانسه و آلمان درخواست تعمیق همکاری علیه ایران را مطرح کردند (Cruz, 2018a). در این نامه با اشاره به مخالفت سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان از تصمیم ترامپ به پایان مشارکت در برجام، و ضمن استقبال از موضع این کشورها در حمایت از تعمیق همکاری علیه فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای ایران، خواهان تجدیدنظر در سازوکاری شدند که قرار است اثرات تحریم‌های آمریکا بر ایران را کاهش دهد. همچنین ۱۶ سناتور در تاریخ ۲۲ آگوست ۲۰۱۸ در نامه‌ای به وزیر خزانه‌داری به بهانه کاهش منابع مالی ایران، قطع دسترسی ایران به سیستم بانکی جهانی را درخواست کردند (Cruz, 2018b).

دموکرات‌های کنگره در این دوره که در اقلیت بودند، معتقد بودند باید فرصت کافی برای اجرای توافق داده شود. نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان در تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۱۸ طی بیانیه‌ای با تمجید از تصمیم دولت ترامپ در خصوص تمدید تعلیق تحریم‌ها علیه ایران در قالب برجام، نسبت به درخواست وی برای اصلاح توافق کنونی ابراز نگرانی نمود و آن را یک ایده غیر عملی برای ایران و بیشتر متحدان ایالات متحده در قالب ۱+۵ دانست. پلوسی بهترین راه برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و حمایت از حقوق بشر در ایران را ماندن در توافق برجام دانست (Iran Watch, 2018). همچنین، ۱۲ سناتور دموکرات در تاریخ ۷ می ۲۰۱۸ طی نامه‌ای به ترامپ با اشاره به گزارش‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص پایبندی ایران به مفاد برجام و همچنین راستی آزمایی و پایش سایت‌های هسته‌ای ایران شامل تأسیسات فردو و نطنز و تولید آب سنگین، توافق هسته‌ای را مانعی بر سر راه دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و ایجاد کننده محدودیت‌های بر فعالیت‌های هسته‌ای کشور عنوان کردند و از دولت ترامپ خواستند مادامی که ایران به مفاد برجام پایبند است از این توافق خارج نشود. آن‌ها خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام را موجب تضعیف روابط ایالات متحده با متحدان و شرکای این کشور دانستند (Warner, 2018).

در جدول زیر تعداد لویح و قطعنامه‌هایی که در ارتباط با ایران در کنگره‌های مختلف از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ مطرح شده، نمایش داده شده است.

جدول ۱- تعداد لوایح و قطعنامه‌های مرتبط با ارتباط با ایران در کنگره

تعداد لوایح و قطعنامه‌های مطروحه در خصوص ایران	تعداد کل لوایح و قطعنامه و اصلاحیه‌ها مطروحه در ارتباط با ایران	سال	کنگره	ردیف
۵۶	۱۵۹	۲۰۱۲-۲۰۱۱	۱۱۲	۱
۳۸	۱۲۹	۲۰۱۴-۲۰۱۳	۱۱۳	۲
۱۳۰	۲۵۲	۲۰۱۶-۲۰۱۵	۱۱۴	۳
۷۶	۲۳۲	۲۰۱۸-۲۰۱۷	۱۱۵	۴
۶۲	۲۴۲	۲۰۲۰-۲۰۱۹	۱۱۶	۵

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

همان‌طور که میان جهان بینی، ایدئولوژی و زبان و نیز میان کاربرد زبان و روابط سیاسی و اجتماعی رابطه متقابلی وجود دارد و زبان، علاوه بر شکل دهی به گفتمان می‌تواند ابزاری تأثیرگذار در شکل دهی به روابط قدرت و تعاملات سیاسی باشد؛ رهبران هر کشور نیز به شمول افراد تأثیرگذار در ساختار تصمیم‌گیری با طیفی از دیدگاه‌های ناهمگون و بعضاً متعارض تلاش کرده‌اند که از توانایی‌های زبانی و ادبی برای تبیین دیدگاه‌های سیاسی خویش استفاده کنند. تحلیل گفتمان و تحلیل متون اظهارات نمایندگان و سناتورها در کنگره از ابتدای برجام یکسان نبود و از خط مشی حزبی تبعیت می‌کرد. در دوره‌ای که جمهوری خواهان اکثریت کنگره را داشتند گفتمان و جهان‌بینی متفاوتی از دولت اوباما در فرایند تصمیم‌گیری آمریکا تعقیب می‌کردند. چنان‌چه میان دولت و نهاد کنگره رضایت و موافقت وجود می‌داشت و کنگره با دولت اوباما همراهی نشان می‌داد، توافق برجام به-عنوان یک توافق بین‌المللی می‌توانست با تضمین قوی‌تری دنبال و اجرا شود.

مقایسه تحلیل گفتمان‌ها در ادوار ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۶ کنگره نشان می‌دهد که این نهاد در فرایند چند مسیره چانه‌زنی، تعامل و نیز تقابل با دولت در کاخ سفید، شرایط شکل‌گیری و اجرای مؤثر آن‌را دشوارتر ساخت. در دوره ۱۱۴، نقش محدودکننده و اخلاص‌گرایانه آن در ارتباط با برجام امری مشهود بود. در اثر رقابت گفتمانی در ساختار داخلی قدرت در آمریکا، اکتیویتی برجام صرفاً بر متغیر خارجی

یعنی قطعنامه شورای امنیت نتوانست تضمین کننده پایداری و اجرای آن باشد، به طوری که در معادله رقابت میان کنگره و دولت، دور زدن کنگره توسط اوباما مصادف شد با دور زدن برجام توسط کنگره تحت کنترل جمهوری خواهان.

برجام به عنوان آزمونی در صحنه سیاست داخلی آمریکا ثابت کرد که به رغم اختیارات قانونی دولت در حوزه سیاست خارجی، چنانچه کنگره اولویت و الگوی متفاوت رفتاری را دنبال نماید، دولت توان اجرای تعهدات بین المللی را نخواهد داشت. به طوریکه، دولت اوباما حتی با توسل به قطعنامه الزام آور شورای امنیت قادر نبود کنگره را قانع نماید که به تعهدات بین المللی آمریکا احترام بگذارد. بنابراین، در دوره اوباما، کنگره در اجرای نقش پلیس بد عملاً به ترمزی جدی در پیشبرد برنامه دولت تبدیل شده بود. در حالی که در دوره ترامپ به علت رویکرد و شتاب دولت در خروج از برجام، کنگره با تغییر شکل نقش اخلاص گرانه خود، عرصه را به خود دولت واگذار نمود و حاضر نشد مسئولیت تخریب این روند را بر عهده بگیرد.

بنابراین، کنگره در چارچوب نظام موازنه و کنترل و اصل تفکیک قوا، پیوسته به دنبال ایفای نقش اصلی و اثرگذار در موضوعات مرتبط با ایران بوده و با اصالت دادن به حقوق، منافع و ترجیحات داخلی، در عمل با تصویب قوانین فراسرزیمینی و تحریم های ثانویه فراتر از نقش متعارف سایر پارلمان های جهان عمل نموده و بعضاً به علت ماهیت اقدامات یک جانبه، مقررات و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل را نیز به چالش گرفته است. در نتیجه، توجه به ساختارهای زبانی و تأثیرات آن ها بر شکل دادن به سیاست ها در قبال ایران و چرخه های گفتمانی مرتبط با دیپلماسی هسته ای متأثر از درک و شناخت سطوح مختلف عوامل و روندها در کنگره به موازات گفتمان رسمی دولت است.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آهویی، مهدی و سامعی، حانیه (۱۳۹۵). «سیر تکامل صهیونیسم ستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی با تاکید بر اندیشه های آیت الله خامنه ای»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۱۷۱-۱۹۰.
- بشیر، حسن (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان دریچه ای برای کشف ناگفته ها، چاپ چهارم. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- بی‌نام (بی‌تا)، «یک چارچوب نظری: تحلیل انتقادی گفتمان»، **سایت راسخون**، منتشره در سایت کیان کیانی.
- پوستین چی، زهره (۱۳۸۳). «تحول در فرایندهای صلح خاورمیانه و گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای**، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.
- جعفری، علی اکبر و جانباز، دیان (۱۳۹۵). «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجود دیپلماسی نوین هسته‌ای»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال چهارم، شماره شانزدهم.
- حسن خانی، محمد (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه سیاست خارجی کشورها»، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، پاییز و زمستان، شماره ۲.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۲). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲۸.
- دبیری مهر، امیر (۱۳۹۵). **ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل سیاسی**، جزوه درسی پژوهشگر و مدرس دانشگاه های ایران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و عطایی، مهدی (۱۳۹۳). «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفدهم، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هشتم، شماره ۱.
- سلطانی، سیدعلی اصغر، (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲۸.
- صالحی زاده، عبدالهادی، (۱۳۹۰). «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو، روش های تحقیق کیفی» ، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، سال دوم، شماره سوم. صص ۱۱۳-۱۴۱.
- صالحی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰). نکاتی تحلیلی و روش شناختی درباره تحلیل گفتمان، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، ۷ (۴)، ۲۹-۴.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**، ترجمه رضا ذوقدار مقدم و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۹۸). **ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل در روابط بین الملل**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- کاملی، عیسی، (۱۳۹۶). «بررسی نقش کنگره آمریکا در شکل‌گیری و اجرای مؤثر برجام»، **مقاله ارتقاء مقام به رایزن یکمی**، اداره آموزش وزارت امور خارجه، دیماه ۱۳۹۶.
- ملاکریمی، امید و جلالی، امید (۱۳۹۶). «ماهیت برجام از منظر حقوق بین الملل»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دانشگاه تهران، شماره ۱.

- مردانی، نادر و حسن زاده، احسان (۱۳۹۶). "مطالعه تطبیقی نقش و جایگاه برجام در نظام حقوقی ایران و آمریکا". فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۱، شماره ۱.
- مصاحبه با حسن هانی زاده (۱۳۹۴)، خبرگزاری فارس، ۳ تیر.
- نیستانی، محمود (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیلگر، نورمن فرکلاف، مرکز مطالعات تحقیقات رسانه‌ها
- یحیایی ایلدای (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان چیست»، دو ماهنامه تحقیقات روابط عمومی، پیاپی ۶۰، اردیبهشت و خرداد.

انگلیسی:

- Cruz, Ted (2018), "Sen. Cruz Leads Letter Urging Britain, France, and Germany to Deepen Cooperation Against Iran", at: <https://www.cruz.senate.gov/newsroom/press-releases/sen-cruz-leads-letter-urging-britain-france-and-germany-to-deepen-cooperation-against-iran-warning-on-sanctions>
- Cruz, Ted (2018), "Sen. Cruz Leads Letter Urging Treasury Department to Cut Off Iranian Regime From Global Banking System", At: <https://www.cruz.senate.gov/newsroom/press-releases/sen-cruz-leads-letter-urging-treasury-department-to-cut-off-iranian-regime-from-global-banking-system>
- House Foreign Affairs Committee (2018), "Chairman Royce Urges Action to Protect Int'l Financial System from Iran". At: <https://foreignaffairs.house.gov/press-release/chairman-royce-urges-action-protect-intl-financial-system-iran/>
- H.R.1191 – Iran Nuclear Agreement Review Act of 2015 (INARA 2015)
- H.R. 3364- Countering America's Adversaries through sanctions act of 2017 – (CATSA)
- Iran Watch (2018), "Pelosi Statement on Administration Decision to Extend Sanction Waivers for Iran". At: <https://www.iranwatch.org/library/governments/united-states/congress/members-letters-reports-statements/pelosi-statement-administration-decision-extend-sanction-waivers-iran>
- Kameli, Eisa, (2017) , "Iran Nuclear Deal, Options and its global implications", **IRNA NEWS Agency** .
- National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2018 (H.R. 2810)
- Oppermann, Kai&Spencer, Alexander (2017). " Narrating success and debates on the Iran Nuclear deal", **European Journal of International Relations**, Volume 24, Issue 2. At: <https://doi.org/10.1177/13540661177435>.
- Warner, Marker R. (2018), "Sen. Warner Joins Senate Ranking Democrats in Urging President Trump Not to Abandon the Iran Nuclear Agreement", At: <https://www.warner.senate.gov/public/index.cfm/2018/5/sen-warner-joins-senate-ranking-democrats-in-urging-president-trump-not-to-abandon-the-iran-nuclear-agreement>

